

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرح نوتاش

۰۱ جولای ۲۰۲۱

اتحاد ملی و سرنگونی رژیم ملا

جبهه مردم برای نجات ایران - خط سوم

اعلامیه شماره ۵۹

نهم تیر ماه [سرطان] ۱۴۰۰ برابر با ۳۰ جون ۲۰۲۱

سال هاست که شعار سرنگونی توسط اکثر قریب به اتفاق احزاب و سازمان ها داده می شود. ولی این شعار به لحاظ عدم اتحاد، عینیت نیافته است. از این رو ملا هر روز با وقاحت بیشتر، زیر نقاب مذهب، بر رذالت گسترده خود افزوده است.

شکی در خواسته سازمان ها و احزاب در سرنگونی رژیم ملا نبوده و نیست.

ولی پراکندگی نیروها رخصت به سرنگونی رژیم غالب نداده است.

در سیاست قهر ابدی معنا ندارد. در تاریخ سیاسی جهان اتحاد و همکاری دو گروه متخاصم در مقابل خصم سوم بار ها ثبت شده است. و یک نمونه بارز آن : قوای متفقین (متحد از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و امپریالیستها) علیه قوای متحدین (متحد از ناسیونال سوسیالیست ها و فاشیست ها) در جنگ جهانی دوم. این تاکتیک مهم سیاسی را باید به عنوان اهرمی آزمایش شده در رسیدن به مقصد پذیرفت، تمرین کرد و آموخت. اهداف در مراحل مختلف، با اتحاد مرحله ئی به مقصد نزدیک تر می شوند.

کسانی که از اتحاد مرحله ئی دوری می کنند، آب به آسیاب رژیم ملا می ریزند و به طول عمر آن می افزایند. رژیم ملا هر قشر و طبقه ای را به نوع خاصی آزار می دهد. از این رو تمام اقشار و طبقات خواهان سرنگونی آن هستند و استفاده از همه نیروهای ضد رژیم ملا یک امر طبیعی است. پس برای سازمان دهی تمام اقشار و طبقات مختلف برای سرنگونی رژیم ملا، اتحاد تمام احزاب و سازمان های مختلف لازم می نماید.

از جهتی دیگر، تأثیرات مخرب پخش تفکر انسان فریب انجمن حجتیه در جهان، اگر چه به ظاهر در تضاد با امریکا به نظر می رسد ولی فریبی بیش نیست که برنده آن رژیم ملا و حامیان امپریالیست آن می باشد. همچنان که وهابیان عربستان سعودی در خدمت امریکا، در تأسیس القاعده، طالبان و با اشاعه تفکرات سلفی به ایجاد داعش مشغول بوده اند. رژیم ملا نیز بخش جدائی ناپذیر از بدنه امپریالیسم جهانی بوده و با پول مردم مظلوم ایران به اشاعه تفکرات ضد انسانی انجمن حجتیه در جهان مشغول بوده و هست. از این رو وجودش قابل قیاس با طاعون، و سرنگونی اش نیازمند همکاری گسترده مردم از تمام اقشار و طبقات است. لذا اتحاد مرحله اول احزاب و سازمان هائی که همواره از هم انتقاد کرده اند و از هم دوری جسته اند، امروز بس ضروری می نماید.

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گردش به راست وسیع در میان احزاب و سازمان های چپ جهان شروع شد و این پس زلزله فروپاشی، بسیار جان خراش و رنج آور بود. آن یاران جانی که چشم خود را بر تهاجمات امریکا و قتل های عام اسرائیل بستند و سکوت اختیار کردند و با استدلالات صهیونیستی سراسری همصدا شدند، هرگز فراموش نمی شود. (هر دعوا دو سر دارد، فلسطینی ها سنگ نیندازند ، تا اسرائیلی ها به آنها تیر اندازی نکنند!) . و وقتی صحبت از اتحاد ملی می شود، بدان معنا نیست که در این میان می تواند چیزی فراموش شود و یا فراموش شده است. اساساً آن رنج ها فراموش نشدنی نیست. نه هیچ کس منزه نیست.

از این رو بعد از این همه سالهای سرشار از تلخی های رنگارنگ، بهتر است از جایگزینی (آلترناتیو) واحد سیاسی جدا حذر کنیم و به جایگزینی جمعی (آلترناتیو کولکتیو) در ایران و رهبری کلکتیو در جهان بیندیشیم. و فراموش نکنیم، مادامی که ما با بی احترامی به هم و رنجاندن هم، ایجاد آلترناتیو کولکتیو (جایگزین جمعی) را به تأخیر می اندازیم، ملا گوشت تن کودکان ما را می جود.

در مقالات بعضی از احزاب و سازمان ها، از اتحاد گسترده، فقط با مرکزیت حزب طبقه کارگر و یا اتحاد کمونیست ها صحبت شده است. تا کنون ۶ سازمان کمونیستی توانسته اند متحد شوند. ولی این کافی نیست. در این مرحله، با هدف "سرنگونی" نیاز به اتحاد همه احزاب و سازمان های چپ است. تا مرکزیت اتحاد گسترده ملی بدرستی ایجاد شود. و از این اتحاد ۶ سازمان، حزب کمونیست کارگری و حکمتیست، لازم است نظر و احتمالاً ارتباط خود با اسرائیل را برای مردم ایران روشن کنند. و از طرفی حزب کمونیست ایران (کومله) و سازمان راه کارگر لازم است نظر روشن خود را راجع به جدائی کردستان، سیستان و بلوچستان و آذربایجان از ایران، برای ملت ایران روشن کنند. چون صلاح نیست دوباره با چشم بسته ملت ایران به چاه بیفتد.

از آنجائی که که رژیم ملا،

چه به لحاظ ایدئولوژی که وابسته به فراماسون انگلیس با هدف بسط سیطره ارباب زیر نقاب شیعه،

و چه به لحاظ اقتصادی، که مجری برنامه های خصوصی سازی بانک جهانی،

و چه به لحاظ بودن بخشی از طرح کمر بند سبز اسلامیسم به دور کره زمین امریکا، و بخش بسیار فعال آن در پیش گیری از رشد کمونیسم بوده و هست،

اتحاد فراگیر چپ، و ایجاد جبهه پر قدرت برای مبارزه با این عفریت امپریالیستی، بس روشن است.

و به یاد داشته باشیم که بعد از انقلاب صنعتی و شروع برنامه های استعماری انگلیس، اهرم مذهب، همواره فعال تر از آتش تسلیحاتی، مرزهای بریتانیای کبیر را گسترش داده است و ملایان در تمام ممالک اسلامی، نرم افزار بسیار فعال این گسترش مرزهای بریتانیای کبیر بوده و هنوز نیز هستند.

از هلفورد مکیندر نظریه پرداز انگلیس قرن نوزده، تا زیبگنیف برژینسکی پولندی قرن بیستم، در خدمت امریکا، همگی سلطه بر معادن جهان را، راه سلطه بر جهان شناخته شده اند.

کوبا مزارع نیشکر و توتون و ایران معادن نفت و...، از این رو، موقعیت ایران چه به لحاظ منابع و چه به لحاظ موقعیت جغرافیائی بسیار خاص است. و تغییر، نیاز به شناخت عمیق همه جانبه دارد.

هرگاه ملت ایران خواهان سرنگونی رژیمی باشد، امپریالیستها مضایقه نمی کنند، از توبره خود، نوکر جدیدی را در می آورند و می گویند بفرما و این نوکر جدید را با چنان طرفندی عرضه می کنند که چهل سال طول می کشد تا ماهیت اصلی رژیم جدید از پرده بیرون بیفتد. پس برای حذر از افتادن مجدد در چاه امپریالیست ها، بهتر است از اول از

آلترناتیو گروهی منفرد، جدا حذر شده و به آلترناتیو جمعی اندیشید. آری راه طولانی تر به نظر می آید، ولی راه بلند و بی فریب، بهتر از راه پر فریب و ظاهراً کوتاه رهبریت یک گروه خاص منفرد است .

رژیم ملا، از هر دسته و گروهش، بدون وابستگی به استعمار، وجود خارجی ندارد و از دو دوزه بازی باند سید علی و تضادش با امریکا، همینقدر که در زمان اوباما، توانست تمام (بچه ملاهای بی مصرف را به نام آغازده ، با میلیارد ها دالر در حساب هر یک، مقیم امریکا بکند. اسناد عیش و نوش در کاخ های خریداری شده با پول مردم ایران، با عکس و اسناد بانکی به رویت همگان رسیده است .)

اعتصابات اتحادیه های کارگران برای حقوق صنفی خود حرکتی بسیار مثبت است. و حمایت همه جانبه از آنان برای پیروزی، وظیفه همه . .

ولی به عنوان یک آلترناتیو سیاسی، و چرخش از حرکت صنفی به سیاسی، انتظاری خارج از توان سندیکا های کارگری نه در ایران بلکه در تمام جهان بوده و خواهد بود. اگر بنا بر این بود که سندیکالیست ها بتوانند آلترناتیو سیاسی بشوند، تردید یونین های انگلیس تا به حال صد بار ملکه انگلیس را سرنگون کرده بودند. ولی هیچ صنف و سندیکائی قادر به برداشتن یک چنین وزنه سنگینی نبوده و نیست. همواره مبارزات سیاسی اتحادیه های کارگری در جهان، تحت رهبری احزاب سیاسی حامی طبقه کارگر انجام شده و می شود. تمام اعتصابات کارگران نفت و بقیه صنف ها در گذشته ایران نیز، خارج از این قاعده نبوده است. کارگران و سرمایه داران، خود به تنهایی قادر به ایجاد چرخش سیاسی بدون راهنمایی احزاب و نظریه پردازان خود نیستند. امپریالیست ها با استخدام نظریه پردازان منافع خود را رهیابی می کنند و خود با میلیارد ها دالر دارائی، هرگز قادر به ره یابی نیستند .

طبقه کارگر هم جز این نبوده و نیست. فیلسوفان و نظریه پردازان و احزاب سیاسی خود را داشته و دارد. که به طور علمی و مستدل راه را نشان داده و در دفاع از طبقه کارگر برآمده است. آلترناتیو سیاسی سندیکالی خیالی بیش نیست. کار هر سندیکائی دفاع از خواست صنفی گروه خود است. و نه بیش. و هیچ سندیکا نمی تواند ادعای آلترناتیو سیاسی شدن بکند. این فعالیت مربوط به حیطه کاری احزاب می شود .

از این رو توجه به خواست تمام اصناف تمام اقشار و طبقات لازمه فعالیت احزاب متحد است و شکل دادن به اتحاد همه این نیروها، توسط همکاری تمام احزاب و سازمان ها با هم، بسیار حیاتی است .

برای به دست آوردن کوچکترین موفقیت، آموختن اصول همکاری، احترام به افکار متفاوت یک هدف است. در این عرصه، مثل میدان گلدیاتورها، برای از میان برداشتن هم، متوصل به هر حيله و طرفند شدن سم است. فقط مقصد هدف نیست. آموختن اصول مبارزه، خود نیز مقصد است. چون جامعه هرگز با قوانین جدید تغییر نمی کند. بلکه با وجود انسان های متکی به اصول انسانی، که مجری قانون هستند تغییر می کند و اگر امروز ما منش مبارزاتی، وقار و متانت انسانی را نیاموزیم ، فردا هر قانونی را به ما بدهند با خود خواهی، ضایعش خواهیم کرد. امروز ما مجبور به تعلیم و تربیت مجدد خود، برای مهار خود خواهی و تبدیل به آن انسان های با قابلیت تغییر آفرینی شدن، هستیم .

و بالاخره ما باید این واقعیت تلخ تاریخی را بپذیریم که نه تظاهرات میلیونی و نه اعتصابات کارگران نفت، منجر به سرنگونی شاه شده است. که جلسه چهار کشور: امریکا، انگلیس، فرانسه و المان در گوادلپ، در سپتمبر ۱۹۷۹ و تصمیمشان بر رفتن شاه و آمدن خمینی و اعلان قاطع امریکا به محمد رضا شاه پهلوی، بر قطع حمایت از او، و پذیرش روح الله خمینی در نوفل لوشاتو، و بستن پیمان های اساسی با او، اصل پنهان و واقعیت انقلاب رنگی ایران بوده است. رنگ انقلاب رنگی ایران سیاه بوده است. مردم ایران، بی تشکیلات رهبری، خود را با خوش خیالی به دست بازی های تازه امپریالیست ها دادند .

ارتش شاهنشاهی از زمین و هوا مردم را به رگبار می بست. لطفاً به خیل کشته شدگان ۱۷ شهریور [سنبله] میدان ژاله در عکس ها نگاه کنیم. ولی بعد از جلسه گوادلوپ، شاه رفت و خمینی با شعار ارتش برادر ماست -خمینی رهبر ست، به ایران آورده شد. چون همه برنامه ها در نوفل لو شاتو ریخته شده بود و به فرماندهان ارتش شاهنشاهی، از طرف نوکران امریکا دستور فرمانبرداری از روح الله خمینی داده شده بود .

امریکا در سال ۱۹۹۶ القاعده را در افغانستان تأسیس کرد و حکومت ایران در ۱۹۷۹ تأسیس شد و ایجاد طالبان توسط امریکا در ۱۹۹۲ در پاکستان بود. هر سه، القاعده، طالبان و رژیم ملا تا به امروز همکاری تنگاتنگ با هم داشته و هنوز هم دارند. اکنون امریکا و ایران طالبان را در افغانستان می خواهند به حکومت برسانند. بازی های امریکا و ایران با القاعده ، طالبان و داعش و بقیه در تلاطم نگاه داشتن صحنه همچنان ادامه داشته و دارد. چون ایجاد تضاد و تلاطم در جامعه جهانی از اهرم های سیاسی صهیونیسم جهانی است .

انقلاب رنگی سیاه ایران، سوار بر موج حق خواهی و تظلم مردم ایران، اولین انقلاب رنگی در جهان بوده است. این کلاه گشاد تا به کمرمان را، بیائید هرگز فراموش نکنیم. و همه بدون تکیه به هیچ گروه و صنف منفرد، در صحنه باشیم. و همه با هم جایگزین سیاسی آینده ایران باشیم ...

هدف صهیونیسم جهانی ایجاد حکومت واحد جهانی است. و جهانی شدن پیش درآمد آن بوده است. ما در هر جای زمین تحت آغاز این سیطره جهانی هستیم. این موبایل در دست همگان، که براحتی امکان ارتباط مجانی در جهان را به همه می دهد، واز استخدام گرفته تا پاسپورت و بانک و تست کرونا و همه چی آن لاین (از طریق اینترنت) شده است، به معنای دسترسی حکومت جهانی آینده از هم امروز، بر تمام عکس و اسناد و مدارک هر کدام از ما است. تمام مدارک توسط شرکت های خدماتی سی آی ای ثبت و ضبط می شود. پس رویاهای غیر عملی، با سر کار گذاشتن مردم، سد موفقیت همه ما خواهد شد .

سه محور اصلی در اتحاد

عدم بازگشت به سلطنت، عدم بازگشت به هر گونه حاکمیت مذهبی و عدم بازگشت به وابستگی به هر امپریالیست، لازمه اتحاد ملی در مرحله اول احزاب، از چپ تا راست می تواند باشد .

سلطنت طلبان و مجاهدین، تنها نیستند، افراد و گروه ها و سازمان هایی نیز دارای وابستگی هایی به امریکا و اسرائیل هستند. و هیچ کس منزله نیست. ولی باید شانس منزله شدن را ابرای همه ایجاد کرد. چون همه ایرانی هستیم. و حق زندگی در ایران، با فعالیت سیاسی را داریم .

در این مقطع که ادامه حکومت ملایان دیگر میسر نیست و تمام امپریالیست ها سعی در تثبیت این رژیم دارند و ملت ایران بدون هیچ گونه حمایت بین المللی خواهان براندازی رژیم ملا است، به عنوان ملتی بالغ ، آزادی و عدالت خواه، بی تکیه به هیچ دولت خارجی پا به عرصه مبارزاتی گذاشته است. جای خالی احزاب و سازمان ها در اتحادی کارساز، در کنار ملت ایران، واقعاً دردناک است. و خلع این احزاب و سازمان ها، که هر کدام در دوره های مختلف قهرمانان بی نظیری به ملت ایران هدیه کرده اند، قابل قبول نیست و باید تغییر کند .

رژیم ملا طالبان را به مردم افغانستان تحمیل می کند. با سرنگونی سریع رژیم ملا جلوی غرق شدن مردم افغانستان را بگیریم.

با یاری و همت

نجات ایران و افغانستان... از این همه ذلت

womens-power.farah-notash.com

